

Analysis of Geopolitical Elements and Behaviors Affecting the Restriction and Influence of ISIS Regional Actions

Yadollah Karimipour¹
Jahangir Heidari²

Abstract

The Middle East is one of the regions that is structurally the center of influence of the claiming countries, and on the other hand, the actions and dynamics of this region have had a significant expansion and distribution. The interactions and confrontations during the Cold War, the Islamic Revolution in Iran, the movements of al-Qaeda and the Taliban, the Arab revolutions, the rise of ISIS, and so on are the examples of these actions. Regional unrest, the emergence of a power vacuum and security at the regional level, the geopolitical rivalries of regional powers, and the role of extra-regional powers provided the grounds for the formation and expansion of ISIS's sphere of influence. However, due to various factors such as geopolitical siege, inability to maintain the popular base due to the use of naked violence, efforts to create gaps and change in the regional and global geopolitical structure, etc, this group is not able to maintain its survival in the long run. And its fundamental philosophy is doomed. On the other hand, the organized activities of this group, obtaining many trophies and attracting the support of basic and popular geoculture in the region, warns of the need to identify ways to prevent the influence of the activities of this group. The present study seeks to answer the question with a descriptive-analytical method that from the perspective of geopolitical knowledge, what are the strategies and methods to prevent the infiltration of ISIS activities and dynamics? It seems that not only will ISIS not have the capacity and ability to establish a government in Iraq, but it will also have a natural, automatic and substantial barrier to its penetration with the current perspective of security spaces and based on internal and external geopolitical logic.

Keywords: ISIL, fundamentalism, modern terrorism, Iraq

¹ Professor of Political Geography & Geopolitics, Kharazmi University of Tehran.
Iran.

A_karimipoor@yahoo.com

² PhD of Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Jahanheydari@yahoo.com

تحلیل عناصر و رفتارهای ژئوپلیتیک مؤثر بر محدودسازی و سد نفوذ

کنش‌های منطقه‌ای داعش

یدالله کریمی پور^۱

جهانگیر حیدری^۲

چکیده

خاورمیانه یکی از مناطقی است که به‌طور ساختاری کانون نفوذ کشورهای مدعی بوده است و از طرفی کنش‌ها و پویای‌های برخاسته از این منطقه نیز سیر گسترشی و پراکنشی قابل توجهی داشته است. اندرکنش‌ها و جبهه‌گیری‌های زمان جنگ سرد، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، وقوع جنگ‌های خونین بین کشوری، تحرکات القاعده و طالبان، انقلاب‌های عربی، ظهور داعش و... از این دست است. شرایط پیش آمده از ناآرامی‌های منطقه-ای، بروز خلاء قدرت و امنیت در سطح منطقه، رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و بازیگری قدرت-های فرامنطقه‌ای زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش دامنه نفوذ گروه داعش که به لحاظ شدت تندی و خشونت از سلف خود القاعده هم پیشی گرفته را فراهم نموده است. اما این گروه به دلیل عوامل ژئوپلیتیک متعددی همچون محاصره‌ی ژئوپلیتیکی، عدم توانایی در حفظ پایگاه مردمی به علت استفاده از خشونت عریان، تلاش به‌منظور ایجاد شکاف و تغییر در ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی و... نمی‌تواند در درازمدت قادر به حفظ بقای خود باشد و فلسفه‌ی بنیادی آن محکوم به فناست. از طرفی فعالیت‌های سازمان‌دهی شده‌ی این گروه، دستیابی به غنائم فراوان و جلب حمایت‌های ژئوکالچر پایه و مردمی در سطح منطقه، لزوم شناخت راه‌های سد نفوذ فعالیت-های این گروه را گوشزد می‌نماید. لذا این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که از منظر دانش ژئوپلیتیک راه‌کارها و روش‌های سد نفوذ فعالیت‌ها و پویای‌های داعش کدام است؟ به نظر می‌رسد که داعش نه تنها ظرفیت و توانایی استقرار دولت در عراق را نخواهد داشت، بلکه سد نفوذ آن نیز با چشم‌انداز کنونی فضاها امنیتی و بر پایه منطق ژئوپلیتیک درونی و برونی، طبیعی، خودکار و ماهوی است.

واژگان کلیدی: داعش، بنیادگرایی، تروریسم نوین، عراق.

^۱ استاد تمام جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه خوارزمی تهران. ایران (نویسنده مسئول)

A_karimipoor@yahoo.com

^۲ دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه

داعش جریانی افراطی است که همچون گروه‌های افراطی دیگر زمینه‌های حضورش در منطقه ما وجود داشته است (سبحانی، ۱۳۹۳: ۳). داعش خلق‌الساعه نیست، بلکه برآیند منافع برخی از کشورهای منطقه و رقابت‌های ژئوپلیتیک میان آن‌ها، بازی‌گردانی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، شناوری مباحث و موضوعات ژئوپلیتیک و شرایط مهیای زایش گروه‌های بحران‌ساز و تفکرات افراطی در محیط سیاسی کشورهای خاورمیانه است. از طرفی با توجه به تضاد منافع و تشابهات مذهبی، فرهنگی و قومی نظام‌های سیاسی موجود در خاورمیانه، پدیده‌ها یا بحران‌های سیاسی شکل گرفته در هر کشوری، از پتانسیل بالایی برای سرایت به دیگر کشورها برخوردار است. همان‌طور که بی‌ثباتی افغانستان و ناتوانی دولت این کشور در ایجاد یک نظام سیاسی قوی و کارآمد بر تحولات داخلی پاکستان تأثیر گذاشت و سرنوشت این دو همسایه را در موضوع طالبان به شدت به هم گره زد (محبوبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۰). بی‌ثباتی، جنگ داخلی و عدم توانایی ارتش سوریه در کنترل بحران، زمینه‌های گسترش فضایی کنش‌ها و پویای گروه‌های افراطی و بنیادگرا را فراهم ساخت، به طوری که دامنه آن شمال کشور عراق را نیز در بر گرفت. در سوریه وضعیت به گونه‌ای است که نه نیروهای مبارز و مخالف اسد و نه نیروهای موافق و ارتش سوریه قادر به تثبیت دستاوردهای خود در میدان‌ها جنگ نبوده و دستیابی به پیروزی قطعی برای هیچ‌کدام از طرفین در کوتاه‌مدت میسر نیست (Blanchard, 2014:2). چنین وضعیتی از نظر زمانی فرصتی برای تجدیدقوای گروه‌های افراطی و جذب نیرو و سرمایه، و از نظر استراتژیک خلأیی به‌منظور قلمرو گسترتری داعش را فراهم نمود؛ نیز نگاهی عمیق‌تر به این گروه بدون هیچ‌گونه تعصب نشان از این دارد که بی‌تفاوتی قدرت‌های جهانی در حین شکل‌گیری و جولان این گروه در سوریه، وحدت تاکتیکی دولت‌های منطقه از جمله عربستان، ترکیه، امارات متحده عربی و قطر و پشتیبانی مالی و لجستیکی از این گروه از عواملی هستند که به بلوغ و تنوید سازی داعش کمک رسانده است؛ اما اقدامات غیرانسانی، هدف قرار دادن

مرزهای منطقه و تغییر وضعیت موجود، ایجاد خلافت اسلامی ادعایی داعش، تهدید کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای و... موجب شده است تا عناصر ژئوپلیتیک منطقه در راستای محدودسازی و منهدم سازی فعالیت این گروه و به ضرر آن فعال گردد. منظور این است که از لحاظ ژئواستراتژیک این گروه در میان بازیگران سطح اول منطقه همچون ایران، عراق و بخصوص شیعیان و دولت اقلیم کردستان، سوریه، اردن و عربستان محاصره شده است؛ از طرفی ساختار شکنی این گروه و تهدید منافع تمام کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، شرایط شکل‌گیری ائتلافی منطقه‌ای - جهانی را علیه داعش مهیاتر ساخته است. با توجه به این مهم، سؤال اصلی این پژوهش از این قرار است که عوامل و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک مؤثر در بروز و ظهور داعش کدام است و از طرفی دیگر کدام عوامل و عناصر و رویکردهای ژئوپلیتیک در محدودسازی کنشگری و سد نفوذ و قلمرو گستری داعش مؤثر است؟

عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر توانمندی و نفوذ گذاری داعش حمایت‌های ژئوکالچرال موجود در منطقه

حمایت‌های ژئوکالچرال پایه، همواره در توسعه‌ی دامنه نفوذ و رشد و شکل‌گیری گروه‌های معارض و مخالف وضع موجود، نقشی بسزا داشته‌اند. به‌عنوان مثال همان‌طور که طالبان که از قوم پشتون بود و توانست با استفاده از پیوندهای قبیله‌ای در مناطق پشتون‌نشین پاکستان پناه بگیرد و به راحتی در میان پشتون‌های پاکستان حل و از جانب آن‌ها حمایت شود (محبوبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۷). زمینه‌های موجود در جغرافیای انسانی و مذهبی عراق و عوامل ژئوکالچرال یاری‌رسان به داعش نیز در شمال عراق مهیا بود. بافت مذهبی کشور عراق و سوابق عملیاتی گروه‌های افراطی وابسته به القاعده، مستقل، بعثیون و... زمینه‌های حمایت و هواداری از داعش را مهیا نموده بود. به‌عنوان مثال در حالی که مقامات عراقی و آمریکایی تخمین می‌زدند که تعداد جنگ‌جویان تحت فرمان زرقاوی حدود

۱۰۰۰ نفر باشد، فؤاد حسین معتقد بود که زرقاوی حداقل ۵ هزار جنگجوی تمام وقت با ۲۰ هزار حامی در عراق داشته باشد (عباس زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۵). در ارتباط با جغرافیای انسانی کشورهای عراق و سوریه باید گفت که وجود جمعیت چشمگیر در شهرها با تفکرات و دیدگاه‌های مختلف و وابستگی‌های برخی از آنها به احزاب و گروهک‌های معاند نظام-های سوریه و عراق و اقدامات پشتیبانی‌کننده آنها در هر مقطع از نبرد، بستر مناسبی برای رشد داعش فراهم آورد (قاسمی و رجانی، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

از طرفی دیگر وضعیت حاکم بر عراق، بخش قابل توجهی از جامعه سنی و بخصوص بعضی‌های سابق را افراطی کرده بود و این امر بالقوه آنها را در دستان این گروه افراطی و دیگر گروه‌های جهادی افراطی قرار می‌دهد.

بروز خلاء مشروعیت در مناطقی خاص

ناحیه‌گرایی مذهبی - زبانی، عمیق‌ترین شکل ناحیه‌گرایی است که زمینه‌ی ناحیه‌گرایی سیاسی به شمار می‌روند؛ بدین معنا که کشور و حکومت را با چالش مشروعیت مواجه می‌کنند. در واقع ناکارآمدی نظام سیاسی در برقراری عدالت جغرافیایی (فضایی/محیطی) و ناکامی در توزیع همسان امکانات و زیرساخت‌ها در گستره ملی به واسطه ناهمگونی زبانی و مذهبی ناحیه‌گرایان را به این نتیجه می‌رساند که یگانه راه دستیابی به حقوق و مطالبات ناحیه‌ای ابراز نارضایتی از رهگذر به کارگیری راه‌های خشونت‌آمیز است (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۲۳۷). بدین خاطر است که انگیزه اصلی تروریست‌ها و گروه‌های مخالف، توجه دادن قدرت‌های سیاسی یا دولت‌ها به ناعدالتی‌های موجود است (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۴۸). زایش ناحیه‌گرایی سیاسی، اقدامات تبعیض‌آمیز و استبدادگرایانه‌ی حکومت‌های مرکزی و جلب توجه قدرت‌های سیاسی از سوی ناحیه‌گرایان، می‌تواند به زوال مشروعیت و بروز بحران مشروعیت در مناطقی خاص منجر گردد (هیوود، ۱۳۹۱: ۳۰۹). بروز خلاء مشروعیت در مناطق مختلفی، توانسته است منابع حمایتی فراوانی را برای گروه-

های افراطی فراهم سازد. در مورد داعش نیز چنین بود و به نظر می‌رسد نزاع‌های سیاسی، عدم همدلی و همکاری مؤثر در بین سیاستمداران و دولتمردان عراقی، بافت قومی و مذهبی و... از عواملی‌اند که زمینه‌ساز تجمع و انباشت اضطراب‌های سیاسی و تشتت آرا در عراق گردید. این عوامل موجب زایل شدن مشروعیت در عراق بود که به نوبه‌ی خود زمینه‌ی ژئوکالچرپایه‌ی هواداری از داعش و رخوت و سستی در ارتش عراق را به وجود آورد. به‌عنوان مثال یکی از چالش‌های انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۱۰، ممنوعیت شرکت نامزدهای بعثی در انتخابات از سوی هیئت بازخواست و عدالت (بعثی زدایی سابق) بود که به‌خصوص نارضایتی گروه‌های سنی را در پی داشت (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۳). بنابراین سطح داخلی عراق به‌عنوان یکی از عواملی که فضای مساعدی را برای پیشرفت بحران تازه در عراق ایجاد کرده، مطرح است.

بهره‌گیری از فضای مجازی و رسانه‌ای

امروزه فضای مجازی دارای کار ویژه‌هایی است که دنیای سیاست را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در این فضا مرزهای ژئوپلیتیک به تدریج اهمیت پیشین خود را از دست می‌دهند و ژئوکالچرها جای آن‌ها را می‌گیرند (بزرگمهری و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). از طرفی نیز قلمرو خواهی که کوشش و زمینه‌ای برای ساخت قلمرو و قلمرو گستر است، مستلزم روش‌ها و ابزارهای متعددی است که طی زمان تکامل یافته‌اند و امروزه بسیاری از آن‌ها ماهیتی نرم‌افزاری دارند. باین حال، کنشگران و بازیگران سیاسی برای قلمرو خواهی الزاماً نیازمند واپایش کامل و به دست آوردن سرزمین نیستند بلکه نفوذ و کنترل اذهان عمومی و کنشگران سیاسی نیز آن سرزمین را به قلمرو آن‌ها تبدیل می‌کند (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۱۹۳). به نظر می‌رسد امروزه اینترنت و سایر رسانه‌ها که بُردی جهانی دارند، از چنین ابزارهای قلمروساز و قلمرو گستر با تکیه بر اقناع و ارضای افکار عمومی و جلب حامیان خاموش باشد، که گروه داعش به‌خوبی از آن بهره‌جسته است. همان‌طور

که پس از حادثه یازده سپتامبر و متعاقب آن حمله آمریکا به افغانستان، پایگاه‌های القاعده به‌عنوان یک سازمان در افغانستان به‌طور کلی از بین رفت و از آن به بعد با پراکندگی اعضای القاعده و ایدئولوژی آن در سطح جهانی دوره‌ای جدید از فعالیت القاعده تحت عنوان «القاعده گرایی» به ظهور رسید (عباس زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۲). گاردین در گزارشی نشان می‌دهد که مسئولان تبلیغات دولت اسلامی عراق و شام (داعش) از انجمن‌های مجازی و اینترنتی عمومی به سود خود استفاده می‌کنند تا برای ویدئوهایشان گسترده‌ترین میزان ممکن پخش را تضمین کنند (دیالمه، ۱۳۹۳: ۷۳). افراط‌گراها، با موفقیت، گروه حامیان خود را بزرگ‌تر می‌کنند، برشمار سربازانی که می‌خواهند در نهضت آن‌ها بکنند می‌افزایند، منابع مالی و دیگر منابع خود را توسعه و قدرت کلی خود را افزایش می‌دهند. آن‌ها که به دنبال قدرت یا نفوذ سیاسی و اجتماعی هستند، از خشونت ضد تشکیلات حکومتی و مردمی استفاده می‌کنند تا ترس را به مردم القا کنند و ناشایستگی آن‌هایی که قدرت را در دست دارند، نشان دهند. بنابراین توسل افراط‌گراها به خشونت، اغلب، هدفمند و حسابگرانه است (Baqai, 2011:242).

سازمان‌دهی، تشکیلات و فرماندهی داعش

داعش نیز به‌منظور دستیابی به اهداف خود، همچون دیگر گروه‌های بنیادگرا، سازمان و تشکیلات خاص خود را دارد، این گروه یک ساختار سازمانی دارد که متشکل از امرای مناطق و مجالس «شورای مجاهدین» و فرماندهان عملیاتی است؛ اما این امور سازمانی و تشکیلاتی به‌طور کاملاً محرمانه است و برخی پژوهشگران امور سیاسی اشاره می‌کنند که فرماندهان داعش در سوریه از امرای شبکه القاعده در عراق دنباله‌روی می‌کنند (عصر مردم، ۱۳۹۳: ۱۴). قابلیت‌های نظامی و توان سازمان‌دهی بالای این گروه موجب شده است تا قلمرویی از مرز سوریه و ترکیه تا فلوجه‌ی عراق، تا ۴۰ مایلی غرب بغداد در امتداد رود فرات، به سیطره‌ی آن درآید (UMAA-Advocacy, 2014: 35).

رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و تأثیر آن بر توانمندسازی داعش

شاخص‌های مدیریت بحران امنیتی کشورهای خاورمیانه بیش از آن‌که تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ قرار گیرند، تابعی از سازوکارهای کنش بازیگران منطقه‌ای است (پوستین چی و پازن، ۱۳۹۲: ۱۳۲). نمونه آن درگیری ایدئولوژیکی ایران و عربستان بعد از انقلاب اسلامی است که این دو کشور را رودرروی یکدیگر قرار داد و هر دو کشور از گروه‌های اسلامی در جهت سیاست‌گذاری‌های خارجی خود استفاده کردند، عربستانی‌ها ابتدا جنگ عراق را علیه ایران حمایت نموده و سپس به این ایده فکر کردند که با ترویج سلفی‌گری و شبه نظامی‌گری به‌نوعی به مقابله با ایران در منطقه پردازند. پیش از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، عربستانی‌ها هسته‌های فعالیت‌های سلفی را فعال کرده بودند؛ اما پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران اقدام به ایجاد تغییر ماهیت در این پدیده و استفاده از آن در برابر ایران کردند (هرمیداس، ۱۳۹۳: ۱۱). امروزه نیز از نشانه‌های این رقابت ژئوپلیتیک، تنظیم قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل علیه ایران، تضادهای عربستان و سوریه، حمایت از گروه‌های شورشی سوریه، جنگ سرد امنیتی در حوزه‌ی بحرین و یمن است (ترابی، ۱۳۹۳: ۱۵۴). موضوع ژئوپلیتیک شیعه، تلاش‌های چندجانبه به‌منظور نفوذ در عراق و... است. همچنین بعد از تحولات سیاسی منطقه‌ای، رقابتی در میان کشورهای منطقه از جمله ترکیه، مصر، عربستان و ایران ایجاد شده بود و مسئله بهار عربی که جهان اسلام و منطقه را دستخوش تحولات بسیار کرد بر چاشنی این رقابت افزود. در این میان سوریه، قلب این رقابت را به خود اختصاص داده بود. جبهه تحت رهبری عربستان در منطقه اعتقاد داشتند که ایران، لبنان، عراق و سوریه یک هلال شیعی را تشکیل داده‌اند و ایران هم از این هلال شیعی برای نفوذ در جهان عرب استفاده کرده است (هرمیداس، ۱۳۹۳: ۱۱). کارگزاران امنیتی عربستان بر این باورند که ایران تبدیل به بازیگر فرمانطقه‌ای شده است و حکومت سوریه نقطه‌ی ثقل امنیتی ایران محسوب می‌شود (موسوی، ۱۳۹۰:

۷۵). واقعیت‌های محیط منطقه‌ای بیانگر آن است که به هر میزان فرآیندهای تحول سیاسی در خاورمیانه گسترش پیدا می‌کند، نقش عربستان در ایجاد محیط منطقه‌ای کنترل‌شده علیه حوزه نفوذ سیاسی ایران آشکارتر می‌شود. برخی از کارگزاران عراق نگران نقش عربستان در آینده تحولات سیاسی این کشور پس از خروج نیروهای آمریکایی بوده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به «ایاد علاوی»^۱ اشاره داشت (Allawi, 2007: 8). در کل چنین برداشت‌هایی از رفتارهای ژئوپلیتیک بازیگران پرشمار، در عرصه‌ی جغرافیایی خاورمیانه، مهیاساز زمینه‌های شکل‌گیری و رشد گروه‌های افراطی و شبه‌نظامی گشته که در برهه‌های زمانی خاص به‌عنوان ابزار پیشبرد اهداف در سیاست خارجی به کار گرفته می‌شوند.

توازن قوای مخالفین و موافقین در عرصه داخلی

در تمام دوره خیزش در سوریه، انقلابیون و مخالفین اسد نتوانسته‌اند سازه‌های بنیادی نظام را دچار اختلال کلی نموده و زمینه‌ساز ازهم‌پاشیدگی آن را فراهم آورند. به‌عبارتی‌دیگر، میان رژیم و مخالفین نوعی تعادل قوا یا تعادل انرژی به چشم می‌خورد؛ به‌گونه‌ای که نه مخالفین توانایی فروپاشی رژیم را همانند آنچه در تونس و مصر و لیبی روی داد دارند و نه رژیم توانایی سرکوبی مخالفین را دارد. نقش آرایش جغرافیایی نیروهای متمایل به مرکز و گریز از مرکز در این اندرکنش‌ها قابل توجه است (موفقیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۵). به نظر می‌رسد در داخل سوریه هیچ‌یک از نیروهای طرفدار و یا مخالف اسد قادر به تثبیت دستاوردهای خود در میدان جنگ نبوده و دستیابی به پیروزی قطعی در کوتاه‌مدت غیرممکن گشته است. عواملی چند از قبیل هماهنگی بهبودیافته در میان برخی از نیروهای ضد دولتی، فرسایش در صفوف دولت و نیز مبارزه بین القاعده وابسته به دولت اسلامی عراق و شرق (ISIL, a.k.a.).

¹ Ayad Allawi

تأکید مجدد سریع کنترل دولت در تمام سوریه را غیرممکن و دور از ذهن می‌نماید. وجود چنین شرایطی به نظر می‌رسد فرصت‌هایی را برای گروه‌های بنیادگرا فراهم می‌نماید تا تجدیدقوا نموده و در فضای چنین توازن قوایی به حیات خود، عضوگیری، جلب نظر و حمایت حامیان خود در گوشه و کنار ادامه دهند.

نقش آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در ظهور و گسترش حوزه نفوذ داعش در منطقه

ظهور گروه‌هایی مانند داعش و حمایت کشورهای مثل عربستان سعودی از این گروه‌ها را می‌توان در راستای جنگ نیابتی دانست که نزدیک به یک دهه است بین ایران و عربستان سعودی در منطقه جریان دارد (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۳). شکست محور غربی - عربی در اسقاط نظام سوریه، پیروزی بزرگی برای ایران در این رقابت منطقه‌ای محسوب می‌شود و این نتیجه برای عربستان سعودی، قطر، ترکیه و سایر مخالفان منطقه‌ای بشار اسد، نتیجه‌ای تلخ و تحمل‌ناپذیر است؛ از این رو عراق به عرصه دیگری برای تقابل و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شد (Henderson, 2014). در سطح بین‌المللی نیز داعش دو کارکرد مهم و اساسی را برعهده گرفته است: نخست آن که با اقدامات وحشیانه خود که با نام اسلام انجام می‌دهد، چهره غیرواقعی و خشنی از اسلام ارائه و زمینه لازم را برای اسلام‌هراسی غرب فراهم می‌کند؛ دوم آن که با این اقدام، جنگ بین تمدنی موردادعای آمریکایی‌ها را به جنگی درون‌تمدن اسلامی تبدیل کرده و مجری سیاست آمریکا در فرسایش امت اسلامی است. بنابراین بعد از فروپاشی نظام دوقطبی غرب به رهبری آمریکا و شرق و به رهبری شوروی، نظام سلطه که در ابتدا تلاش داشت با جنگ بین تمدنی، انقلاب اسلامی و پیامدهای آن را مهار کند، سیاست خود را بر جنگ درون‌تمدنی جهان اسلام معطوف کرد و گروه‌هایی مانند القاعده، جبهه النصره و داعش بر اساس راهبرد جدید آمریکا، یکی پس از دیگری ظهور کردند (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۶).

عناصر ژئوپلیتیک مؤثر بر محدودسازی فعالیت و محاصره‌ی داعش

از آنجا که جنس و شکل بحران نشأت گرفته از ظهور و فعالیت داعش در عراق با دیگر نزاع‌های سیاسی و بحران‌های داخلی فرق می‌نماید و هدف آن تغییر مرزها و تشکیل دولت اسلامی است، ناسازگاری استراتژی‌های این گروه با تحولات جهانی و همسایه‌های عراق عیان گشته است؛ بنابراین از دیدگاه علم ژئوپلیتیک، در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی، عمر نقش‌آفرینی داعش بادوام نخواهد بود. در ادامه عناصر ژئوپلیتیک مؤثر بر انسدادسازی و انهدام گروه داعش بررسی می‌گردد.

الف: نقش‌آفرینی و جایگاه ژئوپلیتیک ایران و عربستان

ایران با تفکر شیعی خاص خود هیچ‌گاه با گروه‌های افراطی وهابی نظیر القاعده اشتراک نظر سیاسی یا فکری ندارد. نمونه بارز این مسئله در مخالفت ایران با حکومت وهابی طالبان در افغانستان که حتی تا مرحله جنگ تمام‌عیار پیش رفتند قابل‌لمس است (نجفی، ۱۳۸۲: ۲۳۳). به دلیل پویس‌های داعش در عراق نیز امکان به خطر افتادن منافع استراتژیک جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و بیم آن می‌رود نوسلفی دیگری همانند آنچه در زمان طالبانیسم (هم‌رزم القاعده) در افغانستان در مزار شریف رخ داد، نمود خارجی پیدا کند (محمودیان، ۱۳۹۱: ۸۷). اساساً هرگونه خلافت اسلامی چه از نوع اخوانی و چه از نوع داعش، برای ایران تهدید به حساب می‌آید و تجربه تاریخی هم‌گواه این مدعا است.

از طرفی دیگر از زمان جنگ خلیج فارس نیز امواج ژئوپلیتیکی همچنان در حال تغییر هستند (کوهن، ۱۳۸۷: ۷۰۲). به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تغییر امواج ژئوپلیتیک در منطقه، دگرگونی در ماهیت روابط ایران و عراق در عرصه‌ی سیاست خارجی است. از دیدگاه نخبگان سنی جهان عرب، ابزار اصلی ایران در افزایش نقش منطقه‌ای خود، گروه‌های شیعی طرفدار در منطقه، به‌خصوص در عراق و لبنان هستند (ملک محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۳). همچنین، تحولی در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه‌ی خاورمیانه

شکل گرفته است که می‌تواند تحت هدایت ایران قرار گیرد (اکبر، بی‌تا: ۶۰). با سقوط صدام و رژیم بعث در این کشور، توازن منطقه‌ای به‌هم‌خورده و ایران به‌تنهایی نقش یک کنشگر فعال و اثرگذار را در خاورمیانه به عهده گرفته است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). در رابطه با عربستان باید اذعان نمود که نقش آفرینی و جایگاه ژئوپلیتیک عربستان در محدودسازی و سد نفوذ داعش یک پتانسیل و یک الزام ژئوپلیتیک است که تاکنون نه شکوفا و نه درک شده است؛ بلکه برعکس سیاست‌هایی در راستای تنومندسازی چنین گروه‌هایی به کار گرفته شده است.

عربستان متمرکز بر سیاست‌های پنهان و با اولویت فروپاشی کامل نظام سیاسی کنونی عراق و سوریه از گروه‌های تروریستی حمایت‌های همه‌جانبه می‌کند. قدرت نظامی و تسلیحاتی داعش و تجهیزاتی که در عراق در اختیار دارند ناظر بر این مسئله است؛ از طرفی درگیری ایدئولوژیکی ایران و عربستان بعد از انقلاب اسلامی، این دو کشور را رودرروی یکدیگر قرار داده و هر دو کشور از گروه‌های اسلامی در جهت سیاست‌گذاری‌های خارجی خود بهره‌جسته‌اند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). به صورتی که نبود دیدگاه واحد ژئوپلیتیک میان ایران - سعودی زمینه را برای تعارض استراتژیک آن‌ها در سیاست منطقه‌ای مهیا کرده، و این تعارض بستر ممتازی برای توانمندتر شدن داعش بوده است. بنابراین داعش که محصول فکری سه تفکر (خوارج، حنبلی و وهابیت) است بیشتر در خدمت استراتژی‌های منطقه‌ای عربستان سعودی بوده و هست و از حمایت‌های این کشور برخوردار است و با تکفیر سایر گروه‌های اسلامی به‌ویژه شیعه به اعمال خشونت‌آمیزی ضد انسانی دست زده و همچون گروه‌های طالبان و القاعده، شیعه را مشرک و مهدور الدم می‌نامند (ساوه‌درودی، ۱۳۹۳: ۹۶).

ج: نقش آفرینی و جایگاه سیاسی شیعیان عراق

عامل اصلی گرایش و تأکید رهبران شیعی عراق، بر قواعد و راه کارهای دموکراتیک، ناشی از ساختار جمعیتی عراق و سهم شیعیان در این ساختار و بهره‌برداری راهبردی از آن

به منظور دستیابی به حقوق و منافع تاریخی‌شان است. کنش رفتار سیاسی شیعیان عراق، امروزه علاوه بر سطح ملی، بلکه منطقه‌ای نیز حامل پیامدهای ژئوپلیتیک و حتی ژئواستراتژیک است (فلاح، ۱۳۹۱: ۱۹۶). شیعیان از نظر جغرافیایی، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی زندگی می‌کنند. یک‌سوم از جمعیت دومیون‌نفری ترکمن‌ها و نیز بخشی از گُردهای عراق موسوم به «گُردهای فیلی» نیز شیعه هستند (برنابلداجی، ۱۳۸۳: ۱۵). جایگاه و اقتدار مقوله «مرجعیت» در تحولات کنونی جامعه شیعیان عراق دارای اهمیت است. علاوه بر اقتدار سید عبدالمجید خویی و سید محمدباقر حکیم، که هر دو پس از سقوط رژیم بعثی ترور شدند، می‌توان از مراجعی همچون آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی، آیت‌الله سید محمد سعید حکیم، آیت‌الله سید علی بغدادی، آیت‌الله سید محمدتقی مدرسی، آیت‌الله سید کاظم حائری، آیت‌الله فیاض، آیت‌الله بشیر نجفی، و علمایی مانند سید محمد بحرالعلوم، سید حسین صدر و مقتدی صدر نام برد (فلاح، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

به صورت کلی در محیط سیاسی شیعیان عراق عوامل و شرایط متعددی وجود دارد که تأثیر خود را به صورت مثبت یا منفی در کارکرد سیاسی آن‌ها می‌گذارد. از اهم عوامل تقویت‌کننده عبارت‌اند از، کثرت جمعیت و نتیجه مثبت آن در فرایندهای سیاسی و دموکراتیک که حمایت جامعه بین‌المللی را می‌تواند به دنبال داشته باشد، موقعیت ژئوپلیتیک در جهان تشیع و موقعیت مرکزی در هلال شیعی، موقعیت طبیعی برتر شیعیان از نظر دارا بودن ثروت و حضور مکانی در جنوب و در دهانه خلیج فارس، پیوستگی جغرافیایی شیعیان عراق با شیعیان منطقه بخصوص ایران، فقه شیعه و تأثیرگذاری قدرت شیعه در عراق، میزان تأثیرگذاری مراجع تقلید شیعه در عراق علیرغم نداشتن قدرت سیاسی، سازمان‌دهی جریان‌های شیعه و کنش هدفمند آن‌ها در محیط سیاسی عراق از جانب جریان‌ات برتری همچون حزب الدعوه اسلامی، مجلس اعلای اسلامی عراق، جریان صدر و بازوی نظامی آن جیش‌المهدی و... است (فلاح، ۱۳۹۳: ۲۰۰).

د: موقعیت ژئوپلیتیک سوریه و نقش آن در محدودسازی داعش

سوریه به عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا شناخته می‌شود و یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است که سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. موقعیت ژئوپلیتیک سوریه، این کشور را در نقطه اتصال خاورمیانه نفت خیز با اروپای صنعتی قرار داده است (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). به نظر می‌رسد موقعیت ژئوپلیتیک تأثیرگذار سوریه موجب شده است تا بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به حمایت خود از حکومت سوریه اصرار ورزند. به عنوان مثال روسیه، که از متحدان قدیمی دولت سوریه و از کشورهای دارای پایگاه دریایی در آب‌های این کشور است. پایگاه طرطوس واقع در دریای مدیترانه که تقریباً در ۲۵ کیلومتری مرز سوریه با لبنان قرار دارد، تنها پایگاه دریایی خارجی بعد از اتحاد شوروی سابق است که با توجه به اهمیت استراتژیک آن تاکنون توسط روسیه حفظ شده است (کیانی و خان محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

هم‌پیمانی ایران، روسیه، چین و حزب‌الله و حماس با حکومت سوریه و موقعیت ژئوپلیتیک این کشور در کنار وفاداری ارتش سوریه به حکومت بشار اسد موجب تقویت، توانمندی و روحیه‌ی بالای آن‌ها در مبارزه با گروه‌های افراطی شده است. از طرفی تعارضات و درگیری‌های داخلی داعش، جبهه‌النصره، گردهای سوریه و دیگر گروه‌ها موجب تضعیف این نیروها و تحلیل رفتن توان آن‌ها شده است. با این اوصاف کمک‌های لجستیکی و نظامی هم‌پیمانان، وفاداری ارتش به حکومت، مداخلات حماس و حزب‌الله، اهمیت ژئوپلیتیک کشور سوریه برای کشورهای چین، روسیه و چین، در طول زمان نه‌چندان دور، عرصه را بر گروه‌های افراطی تنگ کرده و موجبات شکست آن‌ها در عرصه

سوریه را رقم خواهد زد. از طرف دیگر رژیم اسد از زمانی که در سال ۱۹۷۰ با کودتای بنیان‌گذار آن روی کار آمد، همواره بر نیروهای امنیتی متکی بوده است و در بعد داخلی نیز علاوه بر بروز تعارضات و اختلافات میان مخالفان اسد، وفاداری ارتش به نظام و همراهی مردم بخصوص علویان با حکومت (شیخ‌الاسلام، ۱۳۹۱: ۵) و مبادرت به خشونت‌های بی‌حد و حصر و اعمال غیرانسانی از جانب گروه‌های افراطی، از عوامل مؤثر در افزایش و تداوم مقاومت نظام سوریه در مقابل مخالفین است، که این شرایط روزبه‌روز به نفع نظام سوریه پررنگ‌تر می‌گردد.

نقش نصیری (علویان سوریه) در پشتیبانی از رژیم حاکم بر سوریه، از دو دیدگاه محوری است: الف - مدیریت کلان. اغلب کادرهای مدیریتی و پست‌های کلیدی حاکم بر سوریه، در رده‌های نظامی - امنیتی در اختیار همین اقلیت است. ب - پراکنش جغرافیایی استراتژیک. بیش از ۹۰ درصد علویان سوریه در استان ساحلی و فوق‌العاده استراتژیک لاذقیه زندگی می‌کنند (U.S Department of State, 2006: 56). ج - پیوندهای عاطفی و مذهبی علویان ترکیه و سوریه در صورت فعال شدن علوی‌های ترکیه، می‌تواند در تعدیل موضع‌گیری‌های آنکارا علیه دمشق بسیار مؤثر و حتی تعیین‌کننده باشد.

و: ژئوپلیتیک نظام جهانی و نقش آن در محدودسازی داعش

آمریکایی‌ها همیشه برای دفع هرگونه اختلال در روند آزادانه‌ی استخراج و انتقال نفت آماده‌ی جنگیدن بوده‌اند. تا زمانی که پیکارجویان داعش تنها در سوریه، به‌دوراز حوزه‌های نفتی بسیار بزرگ عراق جنایت می‌کردند و سر می‌بریدند، آمریکا هیچ کاری به کار آن‌ها نداشت. حتی به‌طور غیرمستقیم در کنار کشورهای متحدش در حوزه‌ی خلیج‌فارس از آنان حمایت هم می‌کرد. اختلال داعش در این مهم، یک گد ژئوپلیتیک با کارکرد منفی برای آمریکا به حساب می‌آید. زیرا بر اساس استراتژی ژئوپلیتیک آمریکا، اگر امنیت راه‌های دسترسی نامحدود به بازارهای کلیدی، به ذخایر انرژی و منابع استراتژیک به هر نحوی به خطر بیفتد، آمریکا خود را موظف به مداخله نظامی می‌داند (همان، ۲۹).

ساختار ژئوپلیتیک جهانی، بالاترین سطح از ساختار نظام ژئوپلیتیکی است که دارای مقیاس جهانی است این ساختار دارای محیطی جهانی است که در آن، بازیگران ژئوپلیتیکی با کدهای ژئوپلیتیک عموماً جهانی، و معمولاً در مقیاس جهانی عمل می‌کنند، طوری که استراتژی‌ها، انگاره‌های ژئوپلیتیکی، خط و مشی‌ها و درنهایت اهداف و منافع ملی آن‌ها به میزان قابل توجهی سیاست‌های جهانی را جهت می‌دهند هرچند که خود نیز از بازخورد آن‌ها تأثیر می‌پذیرند (حسین‌پور، ۱۳۹۲: ۱۷۳).

با توجه به این مهم، ساختار ژئوپلیتیک جهانی به‌عنوان بالاترین سطح مقابله با داعش باید وارد عمل شود؛ چراکه با توجه به ادعاهای داعش مبنی بر تشکیل دولت اسلامی، نادیده گرفتن مرزهای ملی، ارتکاب به جنایات جنگی، و انتشار نقشه‌های سرزمین‌ها و کشورهای بی‌گناهی که نهایتاً به وسیله‌ی آن‌ها فتح خواهد شد و... نشان از عزم جدی این گروه برای برهم زدن ساختار ژئوپلیتیک جهانی و نظم موجود است؛ چنین چیزی در درازمدت کدهای ژئوپلیتیک بازیگران سطح جهانی و منطقه‌ای را با چالش جدی مواجه خواهد نمود. بنابراین عزمی جهانی به‌منظور مقابله‌ی جدی باید شکل بگیرد. از طرفی دیگر با یک رویکرد جغرافیایی، ما شاهد همخوانی ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال در منطقه خاورمیانه هستیم (یزدانی، ۱۳۸۶: ۸۷).

به نظر می‌رسد تحت تأثیر چنین مرکزیتی، نظام جهانی، به اقدام خود در محدودسازی کنش‌های گروه داعش، تسریع بخشد. به همین خاطر است که امروزه در فضای بین‌المللی حملات داعش به‌صورت وسیعی از سوی بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی محکوم شده و خواستار کمک به ارتش عراق و نیروهای پیشمرگه کردستان برای سرکوب داعش شده‌اند. پدیده‌ی خشونت سیاسی و اسلام تندرو از نظر غربی‌ها کاملاً باهم در ارتباط‌اند و به‌طور کلی گردانندگان تروریسم بین‌الملل عمدتاً خاورمیانه‌ای محسوب می‌شوند. چیزی که اعمال تروریستی مسلمانان افراطی را در نظر غربی‌ها و نظام جهانی به یک موضوع مهم تبدیل کرده است جنبه‌ی مهلک بودن این نوع تروریسم است. عمیق‌تر شدن

خشونت‌های ضد سکولار و به همان نسبت واکنش خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی، ثبات رژیم‌هایی را تهدید می‌کند که غرب منافع امنیتی گسترده‌ای در آن‌ها دارد (فولر، ۱۳۸۴: ۱۲۸). بنابراین امریکا، غرب و سازمان ملل پس از ماه‌ها سکوت در برابر جنایات هولناک داعش در سوریه و عراق، دست به اقدام زدند. شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه‌ای، سران این سازمان را در فهرست سیاه قرار داد و اقدامات خشونت‌آمیز آن را به شدت محکوم کرد.

راهکارها و رفتارهای محدودسازِ دامنه نفوذ داعش و دیگر گروه‌های افراطی در عراق

با توجه به کارکرد کدها و عناصر ژئوپلیتیک پیش‌گفته در جغرافیای سیاسی منطقه، بازیگران در سه سطح ملی (یعنی محدوده جغرافیای سیاسی کشور عراق)، سطح منطقه‌ای (بخصوص عرصه‌ی همسایگی کشور عراق) و سطح فراملی، قادر به ترسیم راه‌کارها و به‌کارگیری عناصر ژئوپلیتیک به‌منظور مهارسازی و کنترل داعش می‌باشند. در صورت ایجاد هم‌پوندی معنادار و مستحکم در این سطوح، کارآیی اقدامات دوچندان گشته و نائل‌گشتن به هدف در بازه‌ی زمانی کوتاه و با قدرت و توان بیشتری میسر می‌گردد.

الف: سطح ملی (راهکارهای مختص به محدوده جغرافیای سیاسی عراق)

۱. به‌کارگیری توان دیپلماتیک و پتانسیل‌های فرهنگی، دینی و تاریخی به‌منظور تقویت اتحاد استراتژیک شیعیان و کُردها. چنین اتحادی علاوه بر ایجاد یک حاشیه‌ی امن در مرزهای غربی کشور جمهوری اسلامی ایران، اصلی‌ترین عامل مؤثر در عرصه‌ی جغرافیای سیاسی عراق به‌منظور رفع خطر و شکست داعش است. عوامل و عناصر سیاسی تشکیل‌دهنده چنین اتحادی از قبیل داشتن تجربه‌ی جنگیدن با دشمن مشترک یعنی صدام و بعثیون، ائتلاف‌های سیاسی در عرصه سیاسی کشور، خواسته‌های مشترک کُردها و شیعیان عراق همچون دست‌یابی به‌نظام فدرالیسم، ائتلاف منطقه‌ای از جانب کشورهای سنی و عربی منطقه علیه این دو عنصر (شیعی و کُردی) در عراق و... حکم به تشکیل چنین اتحادی می‌-

نماید. امروزه در بیانیه‌های حال و گذشته‌ی گروه‌های تکفیری به راحتی می‌توان برداشت کرد که هدف اصلی داعش، شیعیان و کردها می‌باشند. از طرفی اقدامات داعش نباید به دشمنی با اعراب سنی ترجمه گردد. در این راستا باید به دقت سیاست‌گزینی نمود تا از ایجاد جنگ فرقه‌ای و مذهبی جلوگیری گردد.

۲. از آنجا که چالش اصلی دولت اقلیم کردستان در عراق، از جانب عنصر سنی داخلی و گروه‌های افراطی در مرزهای غربی است، به کارگیری توان دیپلماتیک به منظور اقناع دولت اقلیم، جهت انتقال پایگاه‌های پژاک و پ.ک.ک به مرزهای غربی خود راهکاری مثبت تلقی می‌گردد. در این صورت علاوه بر اینکه تراکم چنین نیروهایی در مرزهای غربی تضعیف می‌گردد از جانب دیگر تراکم آن‌ها در مرزهای غربی دولت اقلیم، توان مقابله‌ی آن را با عناصر افراطی داخلی افزایش می‌دهد.

۳. از آنجا که یکی از عوامل مهم و مؤثر در توانمندی داعش و جذب حامیانی در استان‌های سنی نشین، بروز خلاء مشروعیت و به دنبال آن خلاء امنیت و قدرت در چنین مناطقی بود، اتخاذ سیاست‌هایی در عرصه‌ی سیاسی کشور عراق به منظور مبارزه با بی‌عدالتی جغرافیایی، بسترسازی برای مشارکت بیشتر سنی‌ها در رأس هرم قدرت سیاسی، پاسخ مثبت و به موقع به مطالبات آن‌ها از جانب حکومت مرکزی و تفویض اختیار بیشتر و حساب شده در بعضی از امورات می‌تواند در درازمدت پایگاه مردمی و ژئوکالچرال گروه تکفیری داعش را سست نماید و اجازه‌ی بروز و رشد چنین گروه‌هایی در آینده را از منطقه بگیرد. هرچند امروزه تنش سیاسی موجود در عراق، با کنار رفتن مالکی از نبرد قدرت بر سر پست نخست‌وزیری، به صورت بارزی کاهش یافته است. عبادی در برابر وظیفه سترگی قرار گرفته است، او باید دولت واحدی تشکیل دهد که منویات کلیه گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و مذهبی عراق را نمایندگی کند. با توجه به اینکه کشورهای ایران، ترکیه، سوریه، در عرصه همسایگی و کشورهایی چون روسیه، چین و دیگر کشورهای اروپایی در عرصه فرامنطقه‌ای با چنین چالش‌هایی (تعدد قومیت و مذاهب) مواجه بوده‌اند، و دارای تجربیات

فراوانی در این زمینه هستند، انتقال چنین تجارب مثبتی که مبتنی بر سرکوب و ارباب نباشد، به دولت آینده‌ی عراق، می‌تواند در درازمدت کارساز باشد.

ب: سطح منطقه‌ای (بخصوص عرصه‌ی همسایگی کشور عراق)

شاید بتوان گفت که قدرت‌های منطقه‌ای بیشتر از بازیگران فرادست جهانی، در روند مدیریت بحران نقش آفرین می‌باشند. در روند مدیریت بحران‌های خاورمیانه عموماً تحت تأثیر کشورهای هم‌جوار و بازیگران جهان عرب قرار داشته است. برخی از بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای از جمله عربستان، خیلی زود دریافتند که روند بیداری اسلامی آثار و پیامدهای متنوعی در محیط سیاسی خاورمیانه ایجاد می‌کند. چنین تحولاتی را باید به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های سیاسی متحول در معادله قدرت منطقه‌ای دانست (Cordesman, 2009: 24). بنابراین تحولات به همان اندازه که می‌توانند به گسترش رقابت‌های منطقه‌ای کمک نمایند، در صورتی که منافع مشترک بازیگران به خطر افتد می‌تواند به گسترش همکاری‌های منطقه‌ای به‌منظور مهار بحران بینجامد. در این سطح راهکارهایی به‌قرار ذیل کارساز می‌باشند:

۱. تشکیل ائتلافی هرچند تاکتیکی در سطح منطقه علیه داعش؛ ایران و عربستان مهم‌ترین اعضای این ائتلاف می‌توانند باشند هرچند دو کشور مهم دیگر منطقه، یعنی عراق و سوریه عملاً درگیر با داعش در سطح ملی خود می‌باشند اما با نگاهی به فعالیت‌های داعش در عراق و سوریه و سیاست‌ها و اهداف این گروه، و از طرفی گسترش روزافزون دامنه نفوذ و حوزه عملیاتی این گروه، با وجود رقابت شدید بازیگران منطقه‌ای در بعضی از امورات، همگرایی و تشکیل ائتلافی منطقه‌ای مشتمل بر عراق، ایران، عربستان، سوریه، دولت اقلیم کردستان عراق و دیگر کشورهای منطقه لازم و ضروری است. البته هماهنگ‌سازی فعالیت‌های منطقه‌ای به‌منظور مبارزه با داعش با فعالیت‌ها و برنامه‌های بین‌المللی موجب تسریع در این روند می‌گردد. در این سطح همکاری تاکتیکی ایران و عربستان نقش بسزایی خواهد داشت.

نمایندگان و صاحب‌نظران سعودی اصرار بر این امر دارند که تنها راه‌حل قابل قبول در موضوع سوریه و بهترین جایگزین برای راه‌حل‌های سیاسی شکست خورده در این کشور، «راه‌حل نظامی» است. چنین اقدامی منجر به حذف بشار اسد از قدرت و جلوگیری از نفوذ ایران در عرصه‌ی سوریه خواهد شد. تحت تأثیر قرار نگرفتن عربستان از بحران پناهندگی ناشی از منازعه سوریه، توانایی مالی این کشور در ادامه حمایت از مخالفان و گروه‌های تروریستی در سوریه و... موجب شده است تا این کشور ادامه جنگ و خونریزی تا خروج ایران از موضوع سوریه را خواهان باشد (Dobbins and others, 2015: 9).

۲. با توجه به اینکه همکاری تاکتیکی آمریکا، عربستان و ایران ممکن است بر اثر تعارضات و رقابت‌های ژئوپلیتیک با بن‌بست مواجه گردد، پیگیری ایجاد یا تقویت کمر بند ژئوپلیتیک ایران و دیگر عناصر سطح فروملی منطقه از قبیل، گروه‌های عراق، شیعیان عراق، علویان و حکومت سوریه، حزب کارگران کردستان ترکیه، حزب الله لبنان و حماس عاملی مؤثر در راستای محاصره سازی گروه داعش قلمداد می‌گردد؛ این کمر بند ژئوپلیتیک اگر بتواند از پشتوانه کمر بند ژئوکالچرال تاجیکستان، شیعیان افغانستان و ایران برخوردار گردد توان تأثیر گذاری آن در سطح منطقه‌ای افزایش خواهد یافت.

ج: سطح فرامنطقه‌ای (جهانی)

مدیریت بحران نیازمند مشارکت طیف گسترده‌ای از بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ در سیاست بین‌الملل است. هر یک از بازیگران و الگوی کنش تعاملی آنان نقش مؤثری در چنین فرآیندی به‌جای می‌گذارد (پوستین‌چی و پازن، ۱۳۹۲: ۱۳۵). به‌منظور دستیابی به این مهم، و عوامل مؤثر در شکل‌گیری این مشارکت موارد زیر قابل پیگیری و اجراست:

۱. تأکید به از بین بردن مرزها بین دولت‌های اسلامی از اندونزی تا مغرب و انتشار نقشه‌های متعددی به این منظور از استراتژی‌ها و سیاست‌های اعلامی این گروه است. چنین سیاستی آشکار در پی تغییر وضعیت موجود و دگرگونی در ساختار ژئوپلیتیک نظام جهانی است.

لذا برجسته نمودن این خطر به وسیله‌ی صاحبان رسانه و عناصر دیپلماسی، رایزنی‌ها و مشاوره‌های متعدد در این زمینه و تشکیل ائتلافی جهانی علیه این گروه و گروه‌های مشابه، بررسی راه‌های مبارزه با داعش در نشست آتی رهبران جهان در مجمع عمومی سازمان ملل و دیگر مجامع علمی و سیاسی‌ای که به صورت فوق‌العاده و بدین منظور برگزار می‌گردند نتایج مثبتی در پی خواهد داشت.

۲. حمایت کشورهای منطقه و بخصوص ایران از ارسال کمک‌های نظامی و تسلیحاتی اتحادیه اروپا و رایزنی به این منظور با مسئولین سیاسی آن کشورها راهکاری مفید خواهد بود.

۳. تنها تحول دموکراتیک است که می‌تواند سنگ‌بنایی برای توسعه جامعه در این کشورها ایجاد کند. این تأکید به این دلیل است که ساختارهای سیاسی حاکم در منطقه ظرفیت توسعه را ندارند و در صورت حذف منابع نفتی از اقتصاد منطقه، وضعیت اقتصادی به شدت وخیم خواهد شد؛ اما نکته اینجاست که نه تنها دولت‌های موجود، بلکه مخالفانشان نیز نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای استقرار دولتی توسعه‌گرا در منطقه باشند (رنجبر و صیاد، ۱۳۹۲: ۸۴). لذا کمک به فرایند توسعه سیاسی و تسهیل شرایط دست‌یابی به آن در کشورهای مبتلابه در سطحی جهانی و منطقه‌ای، ریشه‌ی شکل‌گیری چنین گروه‌هایی را هدف قرار می‌دهد.

نتیجه گیری

افرادى همچون اوجالان، عرفات و آدامز که به دنبال تشکیل دولتی جدید در نقشه سیاسی جهان بودند به این اصل مهم معترف بودند که کسانی که در جغرافیای طبیعی امروز جایگاهی نداشته باشند جایگاهی در جغرافیای سیاسی فردا نخواهند داشت. برای تکوین و تداوم توفیق آمیز حیات یک ملت، صرف وجود قومیت یا علایق مذهبی مشترک کافی نیست و از پیش شرط‌های تعیین کننده پیدایش یک ملت، ارتباط خود به خودی، پیوسته و فزاینده‌ی ساکنان یک سرزمین است که باگذشت زمان، روحیه ناسیونالیستی آن‌ها تقویت می‌گردد و علاقه به سرزمین از سایر علایق گذرا و عَرَضی متمایز می‌شود (نصری، ۱۳۸۷: ۱۶۹). این امر در مورد داعش نیز صدق می‌کند زیرا که در جغرافیای سیاسی منطقه جایگاهی نداشته و اعضای آن از کشورهای مختلف گرد هم آمده و از خلاء قدرت و مشروعیت پیش آمده در سوریه و مناطق سنی نشین عراق بهره جسته‌اند، ماندگاری و نقش-آفرینی آن‌ها در منطقه دوام چندانی نخواهد داشت. این چنین قلمروخواهی‌ای که این گروه دارد نمی‌تواند منجر به شکل‌گیری سرچشمه‌ی هویت‌سازی برای آن‌ها گردد، این امر بدان دلیل است که هویت و ایدئولوژی این گروه اتکا صرف بر مسائل و علایق مذهبی افراطی دارد. نیز پراکندگی و تنوع گروه‌های متعارض و سلفی در منطقه، اختلاف و کشمکش‌های داخلی این گروه‌ها و بازیگردانی قدرت‌های خارجی و قدرت دیپلماتیک دشمنان افراط‌گرایی، مانع از ماندگاری و هویت‌یابی پیوند خورده‌ی این گروه با جغرافیای سیاسی منطقه است.

علاوه بر بحران هویتی، این سازمان با یک بحران ژئواستراتژیکی نیز مواجه است، از چهارسوی به‌وسیله‌ی کمربند شیعی - ایرانی، کمربند ایرانی - کردی، کمربندی علوی - کردی، کمربند سنی - سکولاریزم، عدم دسترسی به آب‌های آزاد، بیابانی بودن منطقه تحت سیطره و... برخوردار است که شرایط رشد بیشتر از این به داعش را نخواهد داد. از نظر ژئوپلیتیک، هدف قرار دادن ساختار ژئوپلیتیک جهانی، تهدید منافع قدرت‌های

منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، تهدید یکپارچه‌گی سرزمینی کشورهای منطقه و.. موجب ائتلاف و عزمی جهانی و منطقه‌ای به منظور مهار و حذف داعش در جغرافیای سیاسی منطقه است.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). «چشم‌انداز روابط کشورهای عرب با عراق جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، بهار.
- برنابلداجی، سیروس (۱۳۸۳). «روند دولت سازی در عراق نوین؛ الزامات و رویکردهای ایران»، نامه دفاع ۵.
- بزرگمهری، مجید؛ فاطمه نعمتی (۱۳۹۰). «تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر سیاست خارجی: تبیین راهکارها»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره هفدهم، زمستان.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸). «تحول تروریسم در روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره چهارم، زمستان.
- پوستین چی، زهره؛ پازن، مژگان (۱۳۹۲). «الگوی مدیریت بحران در پرتو گسل‌های هویتی خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، شماره چهارم، زمستان.
- ترابی، طاهره (۱۳۹۰). «آمریکا و ثبات خلیج فارس در روند رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران - عربستان، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه»، ۵ جولای - سپتامبر ۲۰۱۱، شماره پنجم.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۹). «ریشه‌های سیاست خارجی تعاملی - تقابلی ایران در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۲، تابستان.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ مراد کاویانی راد (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- دیالمه، ندا (۱۳۹۳). «جدال داعش با توئیتر و یوتیوب برای گسترش تبلیغات افراط‌گرایان»، ماهنامه مدیریت ارتباطات، شماره ۵۴، آبان ماه.
- رجبی، سهیل (۱۳۹۱). «واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی»، فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۴، زمستان.
- رضایی، حسن (۱۳۸۹). «عراق جدید، شیعیان و انتخابات دوم پارلمانی، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۳، بهار.

- روآ، الویه (۱۳۷۸). تجربه سیاسی اسلام، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی و حسین مطیعی امین، تهران: انتشارات الهدای.
- زارعان، احمد (۱۳۹۳). «زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و سوم، تابستان.
- سبحانی، محمدعلی (۱۳۹۳). «داعش دوام نمی‌آورد»، روزنامه ایران، سال بیستم، شماره ۵۶۹۶، چهارشنبه ۲۵ تیرماه.
- شیخ‌الاسلام، حسین (۱۳۹۱). «وفاداری ارتش و مردم با حکومت عامل مقاومت نظام سوریه است»، روزنامه کار و کارگر، شنبه ۲ دی، سال بیست و سوم، شماره ۶۲۶۱.
- عباس زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۸). «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان.
- عباس زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۹). «القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تأکید بر عراق)»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲، تابستان.
- عصر مردم (۱۳۹۳). «داعش چگونه متولد شد»، پنجشنبه ۲۲ خرداد، سال نوزدهم، شماره ۵۱۹۶.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱). «برآورد محیط سیاسی شیعیان عراق»، فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۴، زمستان.
- فولر، گراهام (۱۳۹۰). قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ نخست.
- کیانی، داوود؛ زهره خان محمدی (۱۳۹۲). «واکاوی علل حضور روسیه در بحران سوریه»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۹، زمستان.
- محبوبی، قربانعلی؛ شهوند، شهراد؛ عظیم زاده، جعفر (۱۳۹۲). «حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱)»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال دوم، شماره اول، بهار.

- محمودیان، محمد (۱۳۹۱). «تأثیر اندیشه‌های نوسلفیسم بر روند فکری - ایدئولوژیک القاعده»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره سوم، تابستان.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا؛ مهدی داودی (۱۳۹۱). «تأثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان.
- موفقیان، پرستو؛ عباس احمدی؛ یاسر عظیمی (۱۳۹۱). «تحولات سوریه؛ بررسی و ارزیابی آرایش جغرافیایی نیروهای درونی و گرایش بیرونی آنان»، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۲۷، زمستان.
- میرینهان، سید مسعود (۱۳۹۳). «گروه تروریستی نوظهور داعش»، نشریه سرباز، شماره ۲۱۵
- نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۲). «بنیادهای فکری القاعده و وهابیت»، فصلنامه راهبرد، شماره بیست و هفتم، بهار.
- نصری مشکینی، قدیر (۱۳۷۸). «جمعیت و امنیت، امکانات و موانع پیدایش دولت‌گردی در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان.
- هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۳). «داعش، ابتکار عربستان در برابر ایران بود»، روزنامه اعتماد، سه‌شنبه ۲۱ مرداد، سال دوازدهم، شماره ۳۰۳۰.
- هیوود، اندرو (۱۳۹۱). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ مرتضی شجاع (۱۳۸۶). «ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه و رقابت قدرت‌ها»، فصلنامه دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.

- Ayad Allawi, Ali (2007), *the Occupation of Iraq: Winning the War, Losing the Peace*, New Haven: Yale University Press.
- Baqai, H. (2011), "Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism, Pakistan's Perspective," *International Journal of Humanities and Social Sciences*, Vol.1, No. 6, 241-248.
- Cordesman, Anthony H (2009), "The Iraq War: Progress in the Fighting and Security", CSIS, February 18.

- Dobbins James, Philip Gordon, and Jeffrey Martini (2015), A Peace Plan for Syria, RAND corporation, www.rand.org/t/pe182.
- Jomana, Karadsheh, Jim Sciutto and Smith-Spark (2014); How foreign are swelling ISIS ranks in starting numbers, CNN, September, 14, 2014
- UMAA-Advocacy (2014); THE CRISIS IN IRAQ, An Analysis of the Islamic State of Iraq and Levant (ISIL) with U.S. Policy Recommendations in Iraq, JUNE 2014
- Henderson, Simon (2014); The battle for Iraq Is a Saudi War on Iran, Retrieved, from: <http://foreignpolicy.com/2014/06/12/the-battle-for-iraq-is-a-saudi-war-on-iran/>
- Blanchard, Christopher M and others (2014); Armed Conflict in Syria: Overview and U.S Response, Congressional Research Service, 7-5700, www.crs.gov, RL33487, January 14, 2014
- U.S.Department of State. (2006) Syria- international religious freedom report 2006": <http://www.state.gov/g/dri/vis/vif/>